

گویش‌های لاری

ای. ک. مالجانوا

ترجمه معصومه احسانی (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

۱. لاری منسوب به شهر لار و اطراف لارستان در جنوب ایران است. گویشوران لاری در جنوب شرقی شیراز، در مسیر بندرهای خلیج فارس، بندر لنگه و بندر عباس، ساکن‌اند. لهجه‌های اصلی گروه لاری به این شرح است:
خود گویش لاری که بیشتر در شهر لار متداول است. بقیه گویش‌های این گروه در اطراف لار، به ویژه مراکز پرجمعیت، از جمله: گراشی یا جَراشی (جَراشی) متداول در گراش و اوزی در اوز، هر دو در غرب لار؛ بناروی و بستکی، در جنوب شرقی لار؛ صبائی در صبا/ صباجات، در شمال شرقی لار؛ بیخه‌ای؛ خنجی؛ آردی.
۲. درباره شمار گویشوران این گویش‌ها اطلاعاتی در دست نیست. مطابق آمار ۱۹۶۰، جمعیت لارستان حدود ۱۶۰,۰۰۰ نفر است که بیشتر ایرانی‌اند؛ از جمله بلوچ‌ها و کردها که گویشوران دیگر زبان‌های محلی ایرانی‌اند.
۳. گویش‌های لاری به گروه زبان‌های ایرانی جنوب غربی متعلق‌اند. از ویژگی‌های این گروه ثابت ماندن صامت‌ها از نظر تاریخی است؛ چنان که صامت d در لاری ادامه d فارسی باستان است: لاری daneda؛ گراشی danessa؛ اوزی، خنجی donesta «دانستن»، فارسی باستان dan-، اوستایی zan- (در جنب کلمات قرضی برگرفته از گروه شمال غربی با z: لاری zaanü، گراشی zcenü «زانو»؛ v (پس از مصوت و r) در لاری برگرفته از ایرانی باستان g، اوستایی γ: لاری morv «مرغ» (در گروه شمال غربی، morx)، اوستایی merəγa-: لاری savâr boda فارسی باستان (اوستایی sp): لاری sovâri «سوار بودن، بر اسب نشستن»؛ گراشی asa bāra «سوار»؛ اوستایی aspa-: کلمات قرضی از گروه شمال غربی: لاری safid، esfīd «سفید»؛ خنجی espid؛ اوستایی spačta-).

غیره. مطالعات مورگنستیرنه و ویندفور نشان می‌دهد که حلقه پیوند میان گروه زبان‌های جنوب غربی و شمال غربی ساخت زمان حال استمراری از ستاک ماضی در گویش لاری است.

۵. در زمینه آوایی، یکی از ویژگی‌های گویش‌های لاری وجود مصوت‌گرد پیشین و بسته است (لاری ü، گراشی ö): لاری xün «خون»، dūd «دود»، rüz «روز»؛ گراشی /öz/ «خورشید»، nö «نو»، از ویژگی‌های دیگر این گویش‌ها مصوت مرکب ou > ab, āb, au, āv, af است (kouṭ «نور خورشید»، šou «شب»، kouḡ «کبک»، kouṣ «کفش»).

در زمینه صامت‌ها، تحوّل r به l (بیشتر در گویش گراشی) و تحوّل *-t- به z مشهود است: لاری bazāl «بازار»، فارسی دری bāzār؛ لاری anbol, anbār «انبار»، فارسی دری anbār؛ گراشی gozār (و godār) «گذر، عبور»، برگرفته از فارسی باستان vi-tar «گذر از میان»؛ خنجی xoneda «خندیدن»، گراشی xaneza-؛ لاری čeda «رفتن، دور شدن»، گراشی čeza.

از نظر تاریخی، در دستگاه مصوت‌های گویش لاری ویژگی حفظ /ē/ (بای مجهول) مشهود است که حاصل تحوّل مصوت مرکب aj فارسی باستان (فارسی میانه ē) است؛ هرچند این مصوت، تحت تأثیر زبان فارسی، ظاهراً در تداول به i تبدیل شده است: لاری mēš «میش»؛ lēta, lēz «ریختن»، در تداول کنونی -riz؛ pišani/ pēšani «پیشانی». دستگاه مصوت‌ها در گویش لاری به این شرح است: a, ā, e, ē, i, ī, o, ō, u, ü (گراشی ö)، بسنجید با شروو (Skjærvø 1989): a, ā, c (یا i, ē, ē, i, o (یا u), ō, ū, äw, äy.

لاری s برگرفته از ç فارسی باستان (اوستایی 0r): لاری pos «پسر»؛ فارسی باستان puça؛ اوستایی puθra. اما، در گروه شمال غربی، zahr > zaar «زهر». لاری برگرفته از č فارسی باستان و اوستایی پس از مصوت و میان دو مصوت. لاری rüz «روز»؛ لاری، خنجی، اوزی roz؛ گراشی reez؛ فارسی باستان raučah. لاری z برگرفته از j فارسی باستان و اوستا: لاری zan, zen «زن»؛ اوستایی jani-، لاری -h- برگرفته از θ ایرانی باستان (در اوستا -s-): لاری pa/ paa/ pah «گوسفند»؛ فارسی باستان *paθu، اوستایی pasu. لهجه‌های لاری، از نظر صرف، با زبان‌ها و

گویش‌های گروه شمال‌غربی شباهت‌هایی دارند: (۱) ویژگی کوتاه‌شدگی ماده ماضی در افعال: kc بن ماضی kerda- «کردن»، بسنجید با فارسی میانه و فارسی دری di؛ kard «دیدن»، بسنجید با فارسی میانه و فارسی دری dīd؛ bina- binā بن دیگر ماضی برای فعل deda از ستاک زمان حال bīn-ād، بسنجید با bīn-ī در گویش سلیمانیه. (۲) کاربرد ستاک ساز (formative) های a-, ā-, da-, /o, u-. (۳) شناسه فعلی خاص دوم شخص مفرد -eš، همان گونه که در زبان تالشی و زبان یهودیان یزد و کرمان. (۴) اسم مفعول با پیشوند be- /ba- beškasta- «شکسته»، (بسنجید با: bəškəstə در گیلکی). (۵) ساخت اسم: پسوندهای لاری -ang، -eng و پسوندهای کردی -āng، -ing؛ ساخت فعل: پیشوند فعلی لاری و کردی dar- «به طرف بیرون». (۶) حرف اضافه xode «با»: متداول در گویش‌های ایرانی زردشتی (گبری) به صورت xad، xudo، xoda، و در گویش‌های بومی کرمان به صورت xudi و

لاری ü-، گراشی ö-، گراشی، بستکی، اوزی و خنجی e-، o-، بیخه‌ای u است. نشانه‌ی صفات تفضیلی و عالی -tar، -tarin، -تصاقی است. در گروه‌های وصفی، موصوف معمولاً نشانه‌ی اضافه e- می‌گیرد: pol- e kaydü «پل کوتاه»، rūye vel «روی گل». رابطه‌ی موصوف و صفت با جایگاه صفت نیز مشخص می‌شود: arza para «کفش پاره»، ضمائر اول شخص و دوم شخص (مفرد و جمع) با شکل‌های مکمل نشان داده می‌شوند. مفرد: اول شخص، لاری ma، خنجی mo، گراشی mö؛ دوم شخص، لاری em، e، خنجی e/i، لاری، گراشی ana، اوزی، خنجی ono/ one؛ جمع: اول شخص، لاری، گراشی (a)ma، خنجی، اوزی (h)oma؛ دوم شخص، šomā؛ سوم شخص، لاری، خنجی ešu، گراشی ešniyā، anayā، anayā، لاری aniyā، اوزی، بستکی، خنجی oniyā، anāšniyā، نیز anā، اوزی، خنجی onā. سوم شخص جمع با پسوندهای جمع u- (خنجی u- š- c) که فقط از نظر تاریخی تجزیه می‌شود و iyā- (درگراشی گونه‌ی niyā- niyā- š- n- iyā- ana ساخته می‌شود. ضمائر متصل جمع نیز دارای پسوند جمع u- /-o هستند. مفرد: (o)ḡ- و (o)t-، (o)š-؛ جمع: -mu /-mo /-tu /-šu /-šo. پسوندهای جمع (n)iyā-، yā، ā- با ضمائر اشاره نیز به کار رفته‌اند. مفرد: لاری ede «این»؛ جمع: edeyā «اینها»، گراشی ešniyā. مفرد: گراشی، لاری ana «او»، اوزی، خنجی on (e/ o)؛ جمع: لاری anayā «آنان»، اوزی، خنجی anā. بستکی، اوزی، خنجی aniyā.

پایانه‌های شخصی در افعال (که بر شخص و مفرد یا جمع بودن نهاد دلالت دارد) در ماضی و

دستگاه صامت‌ها در گویش لاری به این شرح است: ʃ, ʒ, f, v, s, z, š, x, h, r, l, y, m, n, p, t, k, b, d, g, ʎ صدای q غالباً در واژه‌های قرضی دیده شده است، ž در دو واژه žāpon «ژاپن» ažda «هجده» آمده و به صورت گونواج š قبل از بستواج‌های واکدار در ضمیر پیش چسب سوم شخص مفرد oš/ ož- geretem: ma sag ož- «سگ مرا گاز گرفت».

در گروه گویش‌های لاری، خصوصاً مصوت‌های ü، o، لاری با e در گویش گراشی مطابقت دارد. در برخی موارد، با گویش‌های دیگر نیز این تطابق دیده می‌شود: لاری toroš، گراشی toroš، «ترش»؛ لاری dodu، dudu، gorašni، اوزی dedu «دندان»؛ لاری (z)ba، gorašni bāc «بازو»؛ لاری āmü، گراشی ame «عمو»؛ لاری gorūxta، گراشی gorexta «گریختن» نیز نگاه کنید به نشانه (مخصص)‌های تعریف: لاری ü-، گراشی ö، e، بستکی، اوزی و خنجی o، e-، به ویژه d لاری در گویش گراشی به شیوه‌ای قاعده‌مند با z/ d فارسی باستان و t اوستایی در موضع پس از مصوت و میان دو مصوت مطابقت دارد (لاری čeda، گراشی čeza «رفتن»).

ساخت گویش‌های لاری صرفی-تحلیلی است. در اسم، جنس و حالت منتفی شده است. در صرف مقوله‌های زیر وجود دارد: اسم که مفرد و جمع و معرفه و نکره دارد؛ صفت که دارای درجه تفضیلی و عالی است؛ ضمائر شخصی و اشاره که مفرد و جمع دارند. نشانه‌های جمع (i)yā- (لاری، گراشی (i)yā-، اوزی، خنجی و بستکی -ca)، un است. نشانه نکره لاری i، خنجی e- و نشانه معرفه

اول شخص و دوم شخص افعال لازم با سازه -ess- ساخته می‌شود (kat-ess-em «افتادم») و ماضی ماضی استمراری افعال لازم و متعدی با سازه -esson- : (čüt kerdesson? «چه کرده‌ای؟»؛ xam vâbosson «خم شدم»؛ m-a-xatesson-em «می‌خوابیدم»؛ m-a-kerdesson «من می‌کردم»). شرو و نیز سازه <dan -dâ- (قس باشکردی -den-») را برای مضارع استمراری پیشنهاد کرده است (قس صورت دیگری که مالچانوا پیشنهاد کرده است).

ویژگی گوش‌های لاری در کاربرد گسترده ضمائر شخصی عمدتاً واژه‌بست‌ها (kaftarü vel š-âde «کبوتر را رها کن») با حروف اضافه است (لاری maz، گراشی mez «از من»؛ moz «از ما»؛ šazbar «برای او»؛ tozdom «برای شما»، «به خاطر شما» و جز آن). ضمائر شخصی مشتق نوساخته (دوم شخص جمع «تو» + tü «همه» ama < amatü، ضمائر مبهم (amagari «همه»، kes + «همه» ama : mači «همه چیز» نیز در این گوش‌ها وجود دارد).

از میان حرف‌های اضافه باید به حرف اضافه a «به» که بر جهت دلالت دارد و حرف اضافه دال بر معیت xode («شماره ۴) اشاره کرد.

ساختار جمله در گوش‌های لاری، برای افعال لازم، در مضارع و ماضی حالت فاعلی است. برای افعال متعدی، در ماضی ساخت به اصطلاح ارگاتیو به کار می‌رود که با مطابقت نامنظم با مفعول همراه است. در این حالت، فاعل معمولاً با ضمائر متصل بیان می‌شود، مانند biz oš-xâsed-em «زنبور مرا نیش زد».

مضارع (فقط در افعال لازم) در وجه اخباری و التزامی وجود دارند. مثلاً سوم شخص مفرد مضارع a-deraxš-e «می‌درخشد»؛ اول شخص جمع ماضی and-am «آمدیم». ویژگی گوش‌های لاری وجود پایانه شخصی -eš- در دوم شخص مفرد و گاهی در سوم شخص مفرد است (نیز ← شماره ۴). شخص و افراد و جمع فاعل افعال متعدی در ماضی با ضمائر پیش بستی-تحلیلی مشخص می‌شود: e bârü m-a- loe kül -na «من بار را بر روی دوش‌هایم بردم» که در آن m-...-na یعنی «من بردم». شخص و شمار مفعول (در صورت مطابقت مفعول با فعل) با فعل اسنادی بیان می‌شود (چرا تو را زد؟ čüan to- š zat- eš).

صورت‌های تحلیلی افعال متعدی در ماضی به این شرح است: bü-m-ke «بو کردم»؛ غیر تام (استمراری)، namâ z š -a xand «نماز می‌خواند»؛ تام (نقلی)، oš-kušt -e «او کشته است» (صورت اخیر در سوم شخص مفرد افعال لازم نیز می‌آید: kat -e «او افتاده است»). نیز مضارع استمراری از مصدر و فعل اسنادی ساخته می‌شود: a-gotâ-en «می‌گویند». در برخی موارد، به جزء خاص منفی ساز -(i)ya- در شماری از گوش‌های لاری اشاره شده است (xâter-eš om-iyâ-ac) «خاطرش را نمی‌خواهم، دوستش ندارم»، که احتمالاً این جزء از yok ترکی گرفته شده است. «بسنجید با کاربرد آن در ترکی لاری (ba(r), ba، وجود داشتن».

ترکیب‌های ثانوی یعنی سازه‌های خاص ماضی مطلق، به احتمال قوی برگرفته از فعل اسنادی، نیز در خور توجه است. ماضی مطلق در

منابع

- بستکی، علی‌اکبر، فرهنگ بستکی، تهران ۱۳۵۹؛ اقتداری، احمد، فرهنگ لارستانی، تهران ۱۳۳۴؛ همو، «لهجه فیشوری»، فرهنگ ایران‌زمین، تهران ۱۳۴۲؛ فرامرزی، ح، فرهنگ فرامرزان، تهران ۱۳۶۳؛
- Керимова А. А., Молчанова Е. К. "Ларско-фарсские параллели" (شبهات‌های لاری-فارسی)، *Иранское языкознание. Ежегодник 1982. М., 1987*;
- Молчанова Е. К. "Ларский этюд" (مطالعات لاری)، *Иранское языкознание. Ежегодник 1981. М., 1985*;
- Молчанова Е. К. "Ларский язык" (گویش لاری)، *Основы иранского языкознания. М., 1982*;
- Ромаскевич А. А. Лар и его диалект (لار و لهجه‌های آن)، *Иранские языки. М.; Л., 1945, I*;
- HENNING W. B., *The ancient language of Azerbaijan, Transactions of the Philological Society, 1954, London, 1955*;
- KAMIOKA K., RAHBAR A., HAMIDI A. A., *Comparative basic vocabulary of Khonjī and Lārī Lārestāni Studies 2, Tokyo, 1986*;
- KAMIOKA K., YAMADA M., *Lari basic vocabulary, Lārestāni studies. I, Studia culturae islamicae., Tokyo, 1979, No. 10*;
- MANN O., *Die Tājik-Mundarten der Provinz Fārs, Kurdisch-Persische Forschungen, Berlin, 1909, Abt. I*;
- MORGENSTIERNE G., *Neu-iranische Sprachen, Handbuch der Orientalistik, 1958, Absch. I. Linguistik, Bd. 4, Abt. I*;
- Skjærvø P. O., *Languages of Southeast Iran: Lārestānī, Kumzārī, Baškardī, Compendium Linguarum Iranicarum, Wiesbaden, 1989*;
- WINDFUHR G., "Isoglosses: a sketch on Persian and Parthians, Kurds and Medes", *Acta Iranica, 1975, No. 5*.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی